



۴۸ قانون قدرت

www.ketab.ir

رابرت گرین

زهرا آلوشی

گرین، رابرت، ۱۹۵۹-م. 1959-Greene, Robert

۴۸ قانون قدرت/ رابرت گرین؛ [مترجم] زهرا آلوشی.

تهران: شاهدخت پاییز، ۱۴۰۰.

۴۷۲ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۷-۴۵-۲

فیبا

عنوان اصلی: The 48 laws of power, 1998.

چهل و هشت قانون قدرت.

قدرت (فلسفه) (Power Philosophy)

کنترل (روان‌شناسی) (Control Psychology)

آلوشی، زهرا، ۱۳۵۱ - مترجم

BD۴۳۸

۳۰۳/۳

۸۴۰۷۸۰۵

فیبا

سرشناسه

عنوان ناشر

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

عنوان گسترده

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی

۴۸ قانون قدرت

رابرت گرین

زهرا آلوشی

ویراستار: فریبوز بسینی ایردموسی

ناشر: انتشارات شاهدخت پاییز

ناظر چاپ: اسدالله کبیری

نوبت چاپ اول ۱۴۰۰ تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۶۸۴۷ - ۴۵ - ۲

قیمت:



میدان انقلاب، خیابان فخررازی، کوچه فراهانی شرقی پلاک ۲۴ طبقه اول

تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۹۴۷۸ - ۶۶۴۹۳۸۵۵ - ۶۶۴۹۷۸۹۲

«کلیه حقوق مادی این اثر متعلق به اسدالله کبیری می‌باشد»

فهرست مطالب

.....	مقدمه	۵
.....	قانون ۱: هیچ وقت بیشتر از رئیس یا فرد بالادست خود ندرخشید	۱۵
.....	قانون ۲: هیچ وقت بیشتر از اندازه به دوستانتان اعتماد نکنید	۲۱
.....	قانون ۳: نیت و هدفتان را مخفی کنید	۳۱
.....	قانون ۴: همیشه کمتر از همتان حرف بزنید	۴۷
.....	قانون ۵: شهرت و اعتبار، نقش مهمی در موفقیت دارد به هر شکلی آن را حفظ کنید	۵۳
.....	قانون ۶: به هر صورتی که هست باید توجه دیگران را جلب کنید	۶۱
.....	قانون ۷: با کمک دیگران هدفتان را پیش ببرید ولی آن را به نام خودتان تمام کنید	۷۴
.....	قانون ۸: دیگران را به خودتان جذب کنید	۸۰
.....	قانون ۹: هیچ وقت با جر و بحث موفقیت خودتان را به رخ نکشید	۸۶
.....	قانون ۱۰: سرایت عفونت: از کسانی که دائم نگران و ناراحت و بدشانس هستند دوری کنید	۹۳
.....	قانون ۱۱: دیگران را به خودتان وابسته نمایید	۱۰۰
.....	قانون ۱۲: برای این که قربانی خود را خلع لباس کنید صادق و بخشنده باشید	۱۰۸
.....	قانون ۱۳: وقتی از کسی کمک می‌خواهید بر روی منافی تأکید کنید که قرار است از این کمک	
.....	نصیب او شود	۱۱۴
.....	قانون ۱۴: در ظاهر مثل یک دوست باشید ولی مانند جاسوس رفتار کنید	۱۲۰
.....	قانون ۱۵: دشمنان را نابود کنید	۱۲۵
.....	قانون ۱۶: از نبودن خودتان برای افزایش احترام و عزت نفس استفاده کنید	۱۳۳
.....	قانون ۱۷: دیگران را در ترس و تردید نگه‌دارید	۱۴۱
.....	قانون ۱۸: برای حفاظت از خودتان دیوار نکشید، تنهایی خطرناک است	۱۴۷
.....	قانون ۱۹: رقیب یا دشمنان را شناسایی کنید و مزاحم دیگران نشوید	۱۵۵
.....	قانون ۲۰: نسبت به هیچ کس تعهد نداشته باشید	۱۶۳
.....	قانون ۲۱: برای فریب افراد احمق، رفتار احمقانه داشته باشید	۱۷۶

- قانون ۲۲: از روش تسلیم استفاده کنید، ضعف را تبدیل به قدرت کنید ۱۸۲
- قانون ۲۳: همه قدرتتان را متمرکز کنید ۱۹۰
- قانون ۲۴: رفتارتان مانند یک درباری باشد ۱۹۶
- قانون ۲۵: خودتان را دوباره خلق کنید ۲۱۱
- قانون ۲۶: دست‌هایتان را آلوده نکنید ۲۱۹
- قانون ۲۷: از احتیاجات و نقاط ضعف دیگران استفاده کنید ۲۳۶
- قانون ۲۸: جسورانه عمل کنید ۲۵۰
- قانون ۲۹: برای همه مسیر، از اول تا آخر برنامه‌ریزی کنید ۲۶۱
- قانون ۳۰: نتایجتان را ساده و آسان نشان دهید ۲۶۹
- قانون ۳۱: گزینه‌ها را در اختیار خودتان بگیرید و دیگران را مجبور کنید ۲۷۸
- قانون ۳۲: با تخیلات دیگران بازی کنید ۲۸۷
- قانون ۳۳: نقاط ضعف دیگران را پیدا کنید ۲۹۵
- قانون ۳۴: به شیوهی خودتان مقید باشید و رفتاری شاهانه داشته باشید ۳۰۹
- قانون ۳۵: مدیریت کردن زمان هنر است ۳۱۹
- قانون ۳۶: هر چیزی که نمی‌توانید آن را از آن خودتان کنید ۳۲۹
- قانون ۳۷: یک نمایش کامل به پا کنید ۳۴۰
- قانون ۳۸: هر طور که دوست دارید فکر کنید ولی مثل دیگران رفتار کنید ۳۴۸
- قانون ۳۹: از شرایط ناخوشایند به نفع خودتان استفاده کنید ۳۵۷
- قانون ۴۰: غذای مجانی را قبول نکنید ۳۶۵
- قانون ۴۱: پا در کفش بزرگان نکنید ۳۸۰
- قانون ۴۲: اگر چوپان را بترسانید، گوسفندان فرار می‌کنند ۳۹۲
- قانون ۴۳: در قلب و ذهن افراد رخته کنید ۴۰۱
- قانون ۴۴: با استفاده از تأثیر آینه خشم دیگران را برانگیزید ۴۱۱
- قانون ۴۵: در مورد نیاز به تغییر حرف بزنید ولی تغییر ناگهانی ایجاد نکنید ۴۲۹
- قانون ۴۶: هیچ‌وقت خودتان را کامل و بی‌نقص نشان ندهید ۴۳۸
- قانون ۴۷: پایتان را از هدفی که تعیین کرده‌اید فراتر نگذارید ۴۵۱
- قانون ۴۸: خودتان را در فرم و قالب محدود نکنید ۴۶۰

مقدمه

این احساس که ما هیچ تسلطی روی اتفاقات و افراد زندگی خودمان نداریم، برای هیچ کس قابل تحمل نخواهد بود. در این مواقع به غیر از احساس ناتوانی، به حس بیچارگی و بدبختی هم دچار می شویم. هیچ کس نیست که قدرت را دوست نداشته باشد، همه در پی قدرت بیشتر هستند. باین حال، در دنیای امروزی، به دنبال قدرت بودن کار بی خطری نیست. پس باید رفتار دقیقی داشته باشیم و در ظاهرمان را خوب نشان دهیم ولی اندکی حيله گری هم در رفتارمان باشد. باید در درون خودخواه باشیم ولی ظاهراً دیگران را هم دوست داشته باشیم.

این بازی دوگانه دائمی مثل بازی قدرت در دوره اشرافی می باشد. در طول تاریخ، دربار همیشه یک مرکز قدرت مثل پادشاه، ملکه، امپراتور یا رهبر داشته است. در این بین، درباریان جایگاه خاصی داشتند. آن ها باید به اربابان خودشان خدمت رسانی می کردند، همچنین باید کاملاً حواسشان بود که مبادا بیش از اندازه چاپلوسی کنند؛ چون اگر سایر درباریان متوجه این موضوع می شدند، فوراً بر علیه آن ها دسیسه می کردند. عموم مردم این طور تصور می کردند که دربار، نشانه ای از یک تمدن بزرگ است؛ پس هر نوع قدرت طلبی آشکار یا کارهای جدال برانگیز در همان ابتدای کار خفه می شد و درباریان در سکوت و به صورت مخفیانه بر علیه فردی که آشکارا قدرت طلبی کرده بود، توطئه می چیدند. رفتار درباریان همیشه به شکل دوگانه بود. آن ها ظاهراً بوقار و متانت بودند اما برای اینکه جایگاه خود را حفظ کنند، به صورت ماهرانه از کثیف ترین روش ها برای فریب رقیبشان استفاده می کردند و او را از سر راه کنار می زدند. درباریان مبتدی با گذشت زمان، یاد می گرفتند که باید همه کارها را به صورت غیرمستقیم انجام دهند. اگر کسی قصد داشت از پشت به رقیبش خنجر بزند، با لبخندی ملموس و یک دستکش مخملی این کار را می کرد. این شخص در عوض اینکه کارش را به زور انجام دهد یا به شکل آشکار با او مبارزه کند، به وسیله ظاهر سازی، حيله و سیاست های کثیف به هدف خود می رسید و حواسش بود که باید چند قدم جلوتر را هم ببیند. زندگی شاهانه دربار بیش از اینکه یک بازی بدون انتها باشد، یک جنگ داخلی بود. امروز هم با چنین دوگانگی مواجه هستیم: همه چیز باید ظاهراً عادلانه، پاک،

آزادانه و متمدن باشد ولی اگر در بازی از خودمان جدیت نشان دهیم یا رقیبانمان را اشخاصی ساده لوح تصور کنیم، دیگران ما را شخصی حيله گر می دانند. نیکولا ماکیاوولی، درباری و سیاستمدار بزرگ دوران رنسانس، گفته است: «کسی که همیشه می خواهد خوب باشد، توسط افرادی که خوب نیستند و تعدادشان هم کم نیست، نابود می شود.» دربار خودش را نمادی از پاکی و زیبایی می داند؛ ولی در زیر ظاهر ساده و پاکش، پستی و کثیفی، حرص و طمع، حسادت و نفرت می جوشد. باید بگویم که این هیجانات پلید در ما هم وجود دارد. بازی، یکی است. ما هم ظاهراً به همه خوبی ها احترام می گذاریم ولی در اصل، اگر اندکی عقل داشته باشیم فوراً می آموزیم که باید احتیاط کنیم و بر طبق گفته ناپلئون هیل؛ مشت آهنین خودمان را در یک دستکش مخملی و زیبا مخفی نماییم. اگر بتوانید مثل درباریان ظرافت کارهای غیرمستقیم را به صورت ماهرانه به کار ببرید، اگر قادر باشید فربکاری و ظاهرسازی را یاد بگیرید و هنرمندانه نسبت به رقیبان خود عملکرد بهتری داشته باشید، به نهایت قدرت دست می یابید. به این صورت کاری می کنید که همه در مقابل قدرت و اراده تان تعظیم نمایند و هیچ وقت متوجه نشوند که در اصل چه کار کرده اید و اگر این طور باشد، همیشه همراه شما خواهد ماند؛ نه خشمگین می شوند و نه در مقابلتان مقاومت می کنند. بعضی از افراد می گویند که از هر نوع بازی قدرت، چه مستقیم و چه غیرمستقیم بیزار هستند. آن ها این اقدامات را غیراخلاقی می نامند و خودشان می گویند که دوست دارند، از این گونه بازی ها دور باشند. باید حواستان به چنین افرادی باشد. این عده ظاهراً این طور حرف می زنند ولی در حقیقت خودشان بازیگران قدرتمندی هستند. آن ها با هوشیاری از تدابیری استفاده می کنند تا ماهیت واقعی خود را مخفی نمایند. مثلاً این اشخاص از ضعف های خود حرف می زنند و نام این کارشان را صداقت و نوعی فضیلت اخلاقی می گذارند. حقیقت این است که اگر این کار برایشان منفعت نداشته باشد، ضعفشان را مخفی می کنند. من در فصل بیست و دوم هم گفته ام که نشان دادن ضعف، سیاستی ظریف و کارآمد در زمینه ی قدرت می باشد.

بدون شک در بارها، باید جایگاه تربیت و ادب باشد، اگر این گونه نباشد، یقیناً به جایی برای کشتار و خرابکاری مبدل خواهد شد. اگر هیچ اصول و قوانینی نبود، همین عدمای که الان لبخند به لب دارند و محکم یکدیگر را در آغوش می گیرند، از پشت به هم خنجر می زدند. (لرد چستر فیلد ۱۷۷۳-۱۶۹۴)

راهکار دیگر این عده این است که در تمام زمینه های زندگی، دائماً از برابری صحبت می کنند. آن ها شعار می دهند که با همه افراد از هر مقام و رتبه ای، باید به طور یکسان رفتار شود ولی اگر این طور باشد، مشکلی کلی ایجاد می شود. پس تکلیف کسانی که بهتر از دیگران هستند، چه خواهد شد؟ اگر رفتار یکسانی داشته باشیم، به این معنی است که نسبت به تفاوت ها بی اعتنا بوده ایم و به کسانی که مهارت چندانی ندارند، بیشتر از اشخاص ماهر ارزش گذاشته ایم و انسان های ماهر و

کارشناس را لگدمال کرده‌ایم. این دومین سیاست‌بازی قدرت می‌باشد. آن‌ها با این رفتارشان به همان روشی که خودشان دوست دارند، مجدداً منابع بقیه را توزیع می‌کنند. اگر بخواهیم در بحث قدرت‌طلبی انسان خوبی باشیم و از فریب و پنهان‌کاری فاصله بگیریم، فقط یک روش دیگر می‌ماند که همان صداقت و روراستی است. از طرفی صداقت هم موجب آزرده‌گی تعداد زیادی می‌شود و قطعاً افراد آزرده درصدد انتقام خواهند بود.

هیچ‌کس راستی و صداقت را به‌سادگی و مهربانی تعبیر نمی‌کند که البته حق دارند. در حقیقت؛ صداقت یکی از تدابیر قدرت است. بسیاری از افراد این تدبیر را به کار می‌برند تا اطرافیان را متقاعد نمایند که خودشان فردی خوش خلق و نجیب هستند. البته این کار هم یک روش برای متقاعد کردن و البته شاید اجبار همراه باظرافت باشد و درنهایت ممکن است افرادی که ادعا دارند اهل بازی باقدرت نیستند محیطی صمیمی و ساده به وجود آورند تا بتوانند خودشان را از اتهام قدرت‌طلبی رها سازند. با این وجود باز هم حواستان باشد چون ممکن است ظاهر بی‌ریا، ابزاری تأثیرگذار برای فریب دادن دیگران باشد. (به قانون بیست و یکم مراجعه کنید). ممکن است کودکان از بسیاری جوانب ساده و بی‌ریا باشند ولی غالباً بر مبنای نیازهای ابتدایی خودشان یعنی نیاز به کنترل کردن اطرافیان عمل می‌کنند. بچه‌ها رنج می‌برند که نمی‌توانند قدرتی در دنیای بزرگ‌سالان داشته باشند و از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند تا استقلال خود را به دیگران نشان بدهند. اسلحه‌های صادق و روراست هم مثل این کودکان هستند، امکان دارد آن‌ها برای به دست آوردن قدرت، بازی کنند و اتفاقاً همین اشخاص بازیکنان تأثیرگذاری می‌باشند چون هیچ‌چیزی نمی‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد. باهم می‌گوییم افرادی که دائماً درباره پاکی و صداقت خود حرف می‌زنند، کمترین صداقت و معصومیت را دارند. شما می‌توانید کسانی که تظاهر می‌کنند اصلاً اهل بازی نیستند را از شیوه تعریف و به رخ کشیدن خصوصیات اخلاقی، صداقت و عدالت‌طلبی زیادشان تشخیص دهید؛ ولی به خاطر اینکه همه انسان‌ها شیفته قدرت هستند و همه کارها را با همین هدف انجام می‌دهند و از آنجا که در این مورد هیچ استثنایی وجود ندارد، این عده طوری محیط و شرایط را به هم می‌ریزند تا ما نتوانیم روی بازی‌های آن‌ها تمرکز کنیم. اگر این عده را از نزدیک زیر نظر بگیرید، متوجه خواهید شد که بیشتر آن‌ها مهارت خاصی در نفوذ غیرمستقیم دارند؛ اگر شما به آن‌ها گوشزد کنید که رفتارشان ناشیانه است یا به هر عنوان دستشان رو شود، از دست شما خشمگین می‌شوند.

تنها راه خلاص شدن از دست آن‌ها، فریب‌کاری همراه با زور است. گفته می‌شود که عشق هم همین‌طور است ولی به این معنا که در انتظار تابش آفتاب بمانیم زیرا لحظه‌لحظه زندگی بالارزش است. یوهان ولفگانگ فون گوته (۱۷۴۹-۱۸۳۲)

اگر شما هم قبول دارید که دنیای امروزی، دریاری است پر از توطئه‌های بزرگ که درون آن آسیر شده‌اید، پس برای خارج شدن از بازی، هیچ تلاشی نکنید چون بی‌فایده است. این تلاش

پست و حقیرانه، بیشتر شما را غرق خواهد کرد و شما را در بی‌ثباتی غوطه‌ور می‌کند پس در عوض جنگ با مسائل غیرقابل اجتناب و بحث و مشاجره، بهتر است در عوض گله و شکایت، قدرت خود را بیشتر کنید. در حقیقت هر قدر قدرت بیشتری داشته باشید، تبدیل به دوست، عاشق، همسر و انسان بهتری خواهید شد.

با تبعیت از اصول یک درباری کامل، قانون بیست و چهارم را یاد بگیرید، چه کاری باید بکنید که دیگران نسبت به خودشان احساس بهتری داشته باشند و شما هم تبدیل به منبع آرامش آن‌ها شوید. آن‌ها به‌مرور به این شرایط وابستگی پیدا می‌کنند و می‌خواهند شما در کنارشان حضور داشته باشید. با یاد گرفتن ۴۸ قانون موجود در این کتاب، رنجی که از نداشتن مهارت در بازی قدرت دارید را پایان دهید. اگر بازی قدرت غیرقابل گریز است که البته این چنین است، بهتر است در عوض انکار واقعیت، هنر و اصول بازی را برای موفق شدن در بازی قدرت یاد بگیریم، باید دیدتان را نسبت به دنیا عوض کنید. برای تغییر دیدگاه باید سال‌ها تمرین کنید چون امکان دارد به‌صورت طبیعی این مسئله برایتان ایجاد نشود. پس نیاز به مهارت‌های اولیه خاصی دارید که می‌توانید با تمرین کردن در آن‌ها به مهارت برسید و قوانین قدرت را ساده‌تر اجرا نمایید.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مهارت اساسی، قدرت کنترل کردن احساسات است. هر نوع عکس‌العمل احساسی به شرایط بزرگ‌ترین سد برای رسیدن به قدرت می‌باشد. ممکن است این اشتباه، نتایج غیرقابل جبرانی برایتان به همراه داشته باشد که به هیچ‌عنوان ارزش منفعت اندکی که بعد از احساساتی شدن کسب کرده‌اید را ندارد. احساسات، جلوی بینش عاقلانه را می‌گیرد و اگر موفق نشوید به‌خوبی موقعیت را ببینید، نمی‌توانید خودتان را برای آن مهیا نمایید و پاسخ آن را بدهید. بدترین و مخرب‌ترین عکس‌العمل احساسی، عصبانیت است چون بیشتر از هر مسئله دیگری دید شما را کور می‌کند. همین‌طور اثر طولانی‌مدتی خواهد داشت که شرایط را بدتر می‌کند. اگر تصمیم دارید، دشمنی که موجب آسیب دیدن شما شده را از بین ببرید، بهتر است در عوض بروز خشم و عصبانیت، تظاهر به دوستی کنید تا او از شرایط تدافعی که به خود گرفته بیرون بیاید. ممکن است عشق و محبت هم تأثیرات مخربی داشته باشد چون چشم ما را در مقابل سودجویی‌های افرادی که حتی فکرش را هم نمی‌کنیم که بازی قدرت را شروع کرده باشند، می‌بندد. هیچ‌کس نمی‌تواند قطعاً خشم یا عشق را سرکوب نماید یا جلوی رخ دادن آن را بگیرد؛ هر تلاشی هم در این مورد غیرمنطقی است ولی باید در روش بروز این احساسات دقت کنید و دسته‌به‌کاری زنید که این احساسات، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های شما را عوض کند.

تیری که از کمان رها می‌شود، یا به قلب دشمن می‌خورد یا نمی‌خورد، ولی درایت و تدابیر نظامی یک فرد عاقل به‌قدری قدرت دارد که می‌تواند جنین درون رحم را هم بکشد. کاتیلیا، فیلسوف هندی، قرن سوم قبل از میلاد.